



گره‌هایی که با دست باز می‌شوند

گزارشی از جلسه جمع‌بندی نشست کلاسی در مدرسه

■ مرجان زارع

سفری چندروزه به مجتمع آموزشی «نور مبین» سمنان، در تابستان ۱۴۰۳، شروعی بر اجرای پروژه «نشست کلاسی» در سال تحصیلی گذشته بود. مدیران مدرسه‌های ابتدایی دخترانه و پسرانه دوره دوم ناحیه یک که از مسافران این سفر آموزشی بودند، برای اجرای این پروژه در مدرسه خود اعلام آمادگی کردند. در مدرسه‌های نور مبین این نشست‌ها به صورت طرحی مستمر و جاافتاده در طول سال اجرا می‌شود؛ طرحی که نه تنها در این مجتمع که در برخی دیگر از مدرسه‌های کشور نیز به دلیل آثار مثبتش مورد استقبال واقع شده است.

اما نشست کلاسی درباره چیست؟ نویسندگان کتاب تربیت سالم در مدرسه، به طور موجز و مختصر، موضوع نشست‌های کلاسی را چنین عنوان می‌کنند: «چگونه می‌توان محیط مدرسه را به فضایی مملو از یادگیری و احترام متقابل تبدیل کرد.» (نلسن، ۱۳۹۶: ص ۲۳) گاهی وقتی دانش‌آموزان در کلاس درس مشکل دارند، فکر می‌کنیم مشکل از اختلال در یادگیری یا رفتارشان است. بعضی مواقع هم خانواده رامنشاً مشکل دانسته و مسئولان مدرسه خانواده‌ها را به سمت مشاوران و روان‌شناسان سوق می‌دهند؛ اما به واقع در خیلی از موارد موضوع ساده‌تر از آن است که فکر می‌کنیم. بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان را می‌توان با تقویت مهارت‌های «گفت‌وگو» و «شنیدن» و با مشارکت و همیاری و همدلی حل کرد؛ با اعتماد به خود دانش‌آموزان، در قالب روشی به اسم «نشست کلاسی».

بدین ترتیب، نشست کلاسی از دریچه‌ای دیگر به مسائل دانش‌آموزان در مدرسه می‌نگرد که راهکاری راهگشا می‌نماید. آنچه خواندید مقدمه‌ای بود برای آشنایی اجمالی شما با مفهوم نشست کلاسی که نگاهی تربیت‌گونه به مدرسه و کلاس درس دارد و پیش‌درآمدی بر روایتی کوتاه از اجرای نمونه‌ای از نشست کلاسی است که در سال تحصیلی گذشته، در دبستان دخترانه دوره دوم ناحیه یک، در حضور جمعی از مسئولان برگزار شد.

خانم امینی، معلم پایه پنجم، با بچه‌های کلاس به نمازخانه آمدند. حلقه‌ای تشکیل دادند و سپاسگزاری و تشکر از یکدیگر با این جملات کردند: «سپاس از تو که امروز به من پاک‌کن دادی!» «سپاس از تو که دیروز که به مدرسه نیامده بودم، با من تماس گرفتی و حالم را پرسیدی!» سپاس‌هایی که شنیدنش فضا را امن و دلنشین می‌کرد؛ اما آنجایی که یکی از بچه‌ها گفت: «از دوستانم می‌خواهم از من سپاسگزاری کنند»، نگاه‌ها برگشت و لنگ‌ها تغییر کرد. او نیازش را به راحتی بیان کرده بود و جملاتی که به سویی سرازیر می‌شد، لبخند بر لب‌ها می‌نشانید. پس از این مکالمات اثرگذار که گویی صمیمیت میان بچه‌ها را دوچندان می‌کرد، معلم از بچه‌ها پرسید: «عزیزانم، به نظرتان امروز کدام مشکل را بررسی کنیم؟» تویی در دست بچه‌ها می‌چرخید که مجوزی برای صحبت کردن بود. نظر بچه‌ها پای تخته نوشته شد سپس درباره این که کدام مورد

ضروری‌تر است، رأی‌گیری کردند و مسئله مورد توافق اکثریت برای بررسی بیشتر مشخص شد. سپس علت‌هایی که آن مشکل را ایجاد کرده بودند، مورد بررسی قرار گرفت. توپ در دست بچه‌ها می‌چرخید و هرکس نظرش را بیان می‌کرد. برخی هم نظری نداشتند. اشکالی نداشت. داوطلبان صحبت می‌کردند؛ ولی در طول نشست کسی نبود که حرفی نزده باشد. بعد از آن، نوبت به بیان و تحلیل راهکارها و رأی‌گیری از آن‌ها رسید. قرار شد راهکارهای منتخب در کلاس اجرا شوند. چند نفر به عنوان ناظر و مسئول انتخاب شدند. باید راستی‌آزمایی صورت می‌گرفت و پس از دو هفته، در نشستی دیگر، همه بچه‌ها درباره مؤثر بودن یا نبودن آن راهکار آزمایشی گفت‌وگو می‌کردند. پس از رفتن بچه‌ها به کلاس، معلمان اجراکننده طرح از دو مدرسه مذکور نظرات خود را بیان کردند.

نظرات معلمان مدرسه پسرانه

«بزرگ‌ترین حسن نشست‌های کلاسی این است که بچه‌ها به قانون‌هایی که در جامعه وجود دارد و کارکردهای قانون واقف می‌شوند.»
«گاه سخت‌گیرانه‌ترین قوانین توسط خود خاطیان گذاشته می‌شود.»
«قانون‌ها در مدرسه پسرانه بیشتر حکم جریمه را دارند. شاید بچه‌ها این‌گونه بیشتر نتیجه می‌گیرند.»

«با توجه به تجربه‌ای که بچه‌ها به دست آوردند، آن‌ها هر یکشنبه منتظر اجرای این نشست هستند. شاید به این دلیل که نظراتشان مورد توجه قرار می‌گیرد.»

«آن‌ها در این نشست‌ها مهارت حل مسئله پیدا کردند و آموختند از خطای یکدیگر بگذرند و به قوانینی که خودشان می‌گذارند پایبندتر باشند.»
«بچه‌ها بعد از این نشست‌ها احساس نزدیکی بیشتری با یکدیگر داشتند. آن‌ها مثل یک خانواده شده بودند.»
«اجرای این طرح به آن‌ها حس بزرگ بودن می‌داد.»
«بچه‌ها اوایل وقتی نظرات را می‌شنیدند، یکدیگر را مسخره می‌کردند؛ اما به تدریج این روحیه در کلاس از بین رفت.»
«بچه‌ها به تصمیمات زندگی خود به نوعی آگاهانه‌تر رفتار می‌کردند.»

نظرات معلمان مدرسه دخترانه

«این نشست‌ها در برخی که می‌خواستند فقط نظر خودشان حاکم باشد، اثر مثبتی داشته است.»
«احترام به نظر دیگری و شنیدن آن در بین بچه‌ها تقویت و همدلی میانشان بیشتر شد.»
«خجالتی‌ها اعتماد به نفس بیشتری پیدا کردند؛ چون می‌دیدند به نظرشان توجه می‌شود.»

«بچه‌ها سعی می‌کردند نظرات منطقی بدهند.»
«آن‌ها مهارت اجتماعی و ارتباطی و قدردانی را تمرین کردند و این تمرین‌ها به بهبود رفتارشان انجامید. این نتیجه مشهود است.»
آقای گل‌انسانز نیز در پایان جلسه جمع‌بندی‌ای داشتند و اجرای نشست کلاسی را توجه به تفاوت‌های فردی دانسته و گفتند: «نباید هیچ اجباری در نظر دادن باشد. معلم نباید کسی را خطاب قرار دهد که حتماً صحبت کند. بهتر است در نشست‌های کلاسی از کلمه قانون استفاده نشود؛ چون آنچه در کلاس با عنوان قانون می‌خوانید با آنچه در جامعه به عنوان قانون شناخته می‌شود، متفاوت است.»

در بخش بعدی، خانم مریم امینی و امینه تاج‌آبادی از معلمان شرکت‌کننده در این طرح، روایت‌های خود را از برگزاری نشست کلاسی در کلاسشان را بازگو می‌کنند. ■